

# صبح ایران

فرهنت، هنر و رسانه  
ویژه

## وقتی قلم اسلحه می شود

در گفت وگو با محمد محمودی نورآبادی به بررسی آثار او در حوزه ادبیات دفاع مقدس و مقاومت پرداخته ایم!

### خانواده محوری

#### ارزش واقعی در «رویا شهر»

به بهانه اکران «رویا شهر» با محسن عنایتی کارگردان این انیمیشن گفت وگو کردیم

۱۰ | &lt;



### ۱۰۰۱ راه

#### برای دورهمی شاد

فریدالدین نیکجو تهیه کننده و کارگردان برنامه ۱۰۰۱ درباره ویژگی های این برنامه موفق می گوید

۲۱ | &lt;



### طعم شیرین سلامت

#### با «انارستان»

سعید سراج در گفت وگو با «جام جم» راز موفقیت این برنامه پرمخاطب شبکه افق را شرح داده است

۶۱ | &lt;



بودند، با جهان غرب اجمالا برخورد کردند. از فراوانی و امیر کبیر تا مشیرالدوله و مستشارالدوله و امین الدوله و تقی زاده و... درباره نسبت اسلام و علم جدید صحبت کردند و جریان پروتستانیسیم اسلامی از زمان آخوندزاده و تقی زاده و ملکم خان، همچون پاسخی غربگرایانه به علم گرایی نو در اصلاح دینی غربگرا مطرح بوده است.

#### مصائب مرئیتنه

در حقیقت ما با یک صحنه بسیار متنوع و گاه مغشوش در بحث نسبت دین اسلام با علوم مدرن خصوصا علوم انسانی آن هم به صورت ابتدایی و نامضبوط و سلیقه ای سروکار داشتیم. جریان اصلی به امر حرکت خود به خودی یا بهتر بگویم مدرنیزاسیون تحت فرمان استعمار سپرده شد که نشر علوم غرب به شیوه نظام پیرامونی و تقلیدی و سطحی و جهت رفع نیازهای نظام پیرامونی و جامعه پیرامونی را به عهده داشت و همه دیگران در مقام منتقدان پراکنده عمل کردند؛ اما منسجم ترین جریان انتقادی دارای انسجام و جزئیات نسبت به علم و فلسفه غرب جدا از فضای حوزه های علمیه، در قبل از انقلاب، جریانی بود که دکتر فرید بنی نهاد و نگاهی هویت مند و مضبوط درباره علوم و مدرنیت با هویت اسلامی و بومی ایرانی را تشریح کرد و تا بعد از انقلاب ادامه داشت... و این هم هرگز نتوانست به جنبش و نهضت علمی عملی یاری برساند و راه حل خود را تحقق بخشد و به طرح کاربردی بدل نماید. مورد دیگر تلاش برای بازخوانی علوم انسانی، از سوی علامه طباطبایی در المیزان اتفاق افتاد. دفاع از رئالیسم در برابر انواع سوبژکتیویسم مارکسی و ایده آلیستی لیبرالیستی اولین برخورد فلسفی از منظر اسلام در عصر جدید به علوم غرب بود اما فرآیند ساماندهی به کاوش علمی در علوم جدید اگرچه با طرح دقیق هرگز در ایران شکل نگرفت لیکن ضمنا امری نبود که به صورت ولونتاریستی (VOLUNTARISTIC) بدون توجه به تحقق حداقل هایی در تحولات علمی جامعه و فضای زندگی، بتواند رخ دهد.

انقلاب اسلامی از روز اول با نقش اثرگذار نگرش امام و حضراتی نظیر استاد مطهری، در فکر یک نهضت علمی نو بود. متأسفانه با انواع توطئه ها و ترورها و جنگ و بحران ها و تأثیر آنها در محدودیت فضای آزاداندیشی، این امر حیاتی در محاق قرار گرفت و با وجود تلاش امام برای برانگیختن حوزه و دانشگاه به عمل فعال، طرحی کارآمد و کاربردی پدیدار نشد.



من کامل

## تمدن مهدوی و نقش رسانه ملی



البته هنوز حرف های فراوانی در این زمینه ناگفته مانده و اندیشمندان و محققان کارهای فراوانی کردند... امروز موضوع اصلی ما این ضرورت و پاسخگویی به آن در شرایط انقلاب اسلامی است. این موضوع یعنی نوزایی علمی در انقلاب اسلامی، از نهادهای ترین ضروریاتی است که از روز اول انقلاب اسلامی و حتی پیش از آن دلمشغولی امام (ره) و شاگردان فعال او و دیگر عالمان در رده رأس نهضت بوده و ادامه یافته. شهید مطهری، شهید سیدباقر صدر، حتی مرحوم فلاطوری و البته شهید بهشتی و شهدا و عالمان حوزوی خصوصا آنان که درگیر علوم انسانی مدرن و دانشگاه بوده اند، امثال شهید باهنر و شهید مفتاح و نیز شهید دیالمه، و البته نگاه نوی رهبر انقلاب در مشهد، در صف مقدم متفکرانی بودند که در متن انقلاب اسلامی به این موضوع اندیشیدند. از سوی دیگر دانشگاهیانی که تحصیلات دانشگاهی از پیشایش او مهندس بازگان و دکتر نصر، دکتر شایگان، آیت الله حائری و... ایده های خود را و دغدغه های خویش را بنا به نگرش خاص شان بیان کردند. در این میان از دوران مشروطه، متفکران و فیلسوفان و شارحان مشهور نظراتی درباره علوم مدرن ابراز کردند؛ از سید جمال الدین اسدآبادی تا حضرات ثائینی و رفیعی و قشقایی و مدرس، ملاحظاتی در خصوص دانش جدید عصر خود داشتند. بهرمان مشروطه که پاره ای فراماسون

رسانه ملی باید ظرفیت به راه انداختن یک جریان فراگیر و عمومی را داشته باشد و درباره شناخت مضبوط و نیز سنجشگری سیستماتیک علوم جدید و تأثیرشان بر فهم دینی و نیز تأثیر فهم دینی در دستاذهای نظری نو در علوم انسانی از یک سو و نظارت معرفتی قرآن و خاندان وحی بر سپهر فکری و ایدئولوژیک نهان در تفسیر علوم انسانی مدرن، نقش فعال ایفا کند و با این فضا در دمیدن جان تازه به کالبد نهضتی کوشا باشد که نیاز به آن در زیر پوست جامعه همچون یک خواست عمومی ریشه دوانده است. بیابید کمی روشن تر و جدی تر درباره رسانه و نهضت و بازخوانی سیستماتیک و مضبوط علوم انسانی مدرن و اسلام سخن بگوئیم و آگاهانه تر به نقش رسانه ملی توجه کنیم.

#### نوزایی علمی در انقلاب

ما درباره معنای تمدن اسلامی و جنبش علمی و اشکال تحریف آلود و رهنز حول این مفهوم، در تاریخ اسلام سخن گفتیم؛ به ویژه در دوران حکمرانی بنی عباس و تحركات جنبش ترجمه و اثر آن در آگاهی امت یا ایجاد التقاط در اسلام ناب و همچنین مفهوم حقیقی تمدن اسلامی که با نظام حکمرانی تحت امامت خلیفه الهی در زمین (عج) محقق خواهد شد. و همین طور درباره جنبش های گوناگون علمی در دوران غیبت، در قرن دوم، چهارم، ششم و هفتم و مسائل آنها حرف زدیم که

انتظار برای تمدن جهانی

مهدوی (عج)، در قلمرو تلاش علمی، معنایش چیست؟ ما واقعا تصویری از جامعه مهدوی در ارتباط با علم کامل از سوی رهبری دارای عصمت ذاتی نداریم. آن جهان از جنس تمدن مانیست اما ما با افق های انسان غیرمعصوم، یعنی افق هستی خود، انتظار می کشیم؛ در عمل می کشیم مسیری را طی کنیم که مورد رضای خداوند و امام عصر (عج) باشد و در تکالیف مان صادقانه و کوشا عمل کنیم.

پرسش کنونی این است که امروز در انجام تکالیف مان آیا در قلمرو ملی و پاسخ به نیازهای یک نهضت احیای علمی در رسانه ملی، ما با یک نوزایی و طراحی متفکرانه جهت آزاداندیشی و مشخصا بازخوانی علوم انسانی مدرن با نگاه عمیق اسلامی روبه رو هستیم؟ به نظر می رسد اول این که خواست و عمل و نیاز و گفتمان بازخوانی امروزی نسبت علم و دین و انگیزه رهایی از تقلید سطحی از دانش جدید غرب و شناخت عمیق و سپس بازخوانی علوم انسانی به نحو تخصصی و تحت جهان بینی اسلام، وارد یک حرکت زنده و کاربردی شده است؛ و دوم این که رسانه ملی نسبت به این امر حیاتی آگاهانه چه واکنشی نشان داده و آیا در مسیر آن گام برمی دارد؟

برنامه هایی همچون دارالعلم و رویداد های گفت وگویی کانال ۴ حول گفتمان های بنیانی، نشانه ای دلگرم کننده است. این برنامه ها اگر هم نواقصی داشته باشند، بالقوه ظرفیت ایفای نقش جدی در یاری رساندن به رشد یک نوزایی را دارد. البته شیطانی بی اعتنا به این نکته نیستند و همان طور که ۴۶ سال در سرگرم کردن حکومت و مردم با بحران آفرینی و مانع تراشی و گرفتن مجال حرکت در راه توسعه موزون و جامع و دستیابی به اهداف یقینی انقلاب اسلامی کوشیدند، اکنون هم فرصت را برای معطل کردن انقلاب و عدم رهایی از مشغله های مزاحم کار اصلی، تلف نمی کنند و ما باید با هوشمندی و طراحی و تلاش فراوان، تن به سستی و خرابکاری خارجی و داخلی شیطاین ندهیم.

احمد میرحسان  
نویسنده و منتقد

### داستان و روایت؛ پایه کارهای پویانمایی

خیلی وقت است در دنیای کودکان و نوجوانان خبرهایی است! اتاق های فکر، کمپانی های بزرگ صاحب سرمایه و افراد شاخص حقیقی و حقوقی به این دنیا ورود کرده و تکاپویی دائمی دارند و برای مخاطبانی وسیع در سطح جهانی به تولیدات گسترده هنری و رسانه ای می پردازند؛ مخاطبانی از نژادها، سرزمین ها، باورها و آئین ها، با زبان ها و آداب و رسوم مختلف. نکته جالب توجه این جاست؛ آنها هرچقدر که فعالیت و نوآوری می کنند، نه تنها آتش ولع شان خاموش نمی شود بلکه بیشتر از گذشته پررنگ می شوند و انرژی می گیرند؛ البته که پاداش این پرکاری محسوس، فراگیری محصول و در واقع ترویج افکارشان در اقصی نقاط دنیا است، هرچاکه رسانه، رد پا و سیطره دارد، آنها هم آنجا هستند و هرچه معروف تر می شوند شتاب بیشتری می گیرند!

یکی از این زمینه های پرسود و جذاب صنعت «پویانمایی» است که در زبان انگلیسی «انیمیشن» نامیده می شود. در پویانمایی که از همان اول، به عنوان رقیبی قدرتمند برای کتاب و هنر نوشتاری ظاهر شد و اصولا در قذوقواره یک رسانه مطرح است، تصاویر بی جان به شیوه ای خلاقانه به حرکت در می آیند و از چشم کودکان، به مغز و قلب - یعنی مرکز اندیشه ها و عواطف شان - وارد می شوند. این صنعت و هنر پرمخاطب با جادوی تکنولوژی توانمندتر هم شده، تا جایی که امروز از هوش مصنوعی نیز کمک می گیرد.

شخصیت هایی که رفته رفته محبوب مخاطبان شان می شوند، با اشتراک پذیری از ویژگی های خود آنها و به موازات احساسات، عواطف و هیجانات شان در رنگ ها و شکل ها و صورت های مختلف، میلیون ها نفر را به سمت خود جذب می کنند، حتی بزرگسالان را! پشت هر کدام از این عناصر زنده که در صفحات تلویزیون یا رایانه ها و گوشی های تلفن همراه ظاهر می شوند، یک روانشناسی عمیق و پیچیده نفس می کشد و برای جان بخشی به آن، کارگروهی جدی و علمی صورت پذیرفته است.

از درختان و گل ها و کوه و دریا گرفته تا حیوانات گوناگون با اداها و حرکات فانتزی که مورد پذیرش کودک و خردسال قرار می گیرد، همگی تشخیص دارند و گاهی آن قدر را مذاق ها خوش و شیرین می آیند که زندگی و حشرونشر در کنار آنها برای کودک، یک آرزوی دور و دست نیافتنی می شود! طبیعی است که در این شرایط، تأثیرپذیری مستقیم یا غیرمستقیم مخاطبان از شخصیت های کارتونی و حرکات و سکنات شان امکان پذیر است!

غول های انیمیشن سازی در جهان، لحظه ای هم از امر آموزش، بازاریابی و مدل سازی علمی غافل نمی شوند؛ کاری که می کنند صرفا جنبه سرگرمی و سرگرم سازی ندارد، تجارت و ترویج فکر و یکسان سازی جهانی و تغییر سلیقه و ذائقه مخاطب و... همه این ها با هم است!

ما ایرانی ها با ادبیات پرماهی و فرهنگ کهنی که داریم قادریم در زمینه پویانمایی به موفقیت های چشمگیری برسیم و در این حوزه، تجارت پرسودی هم داشته باشیم. داستان، نوعی روش درمانی است که برخی نوسانات و کژتابی های روانی را مرتفع می کند؛ از سویی روحیات بچه ها با داستان سازگاری دارد و تعامل بین صنعت انیمیشن سازی و هنر داستان و داستان نویسی می تواند یک نقطه اوج در این حوزه را رقم بزند.

خب! حالا شما بگوئید که با این ظرفیت بزرگ چه کارهای ارزشمندی می شود کرد؟ و فعالان صنعت و هنر پویانمایی در کشور ما تاجه انداز به این نکته مهم - یعنی بهره گیری از این ظرفیت - واقف هستند و برایش طرح و برنامه مفید و سودآور از همه جهات دارند؟!